

## مشاهیر عالم

افلاطون ۴۲۷ - ۳۴۷

Platon 427 - 347

دومین شاگرد سقراط حکیم افلاطون فیلسوف مشهور است بقولی

در ۴۲۷ و بقولی در ۴۲۸ قبل از میلاد در جزیره ( اژین ) E'gine (۱)

متولد شده خانواده اش از پدر به ( گروس ) Codrus (۲) و از

مادر به [ سان ] Solon (۳) منسوب بودند . -

افلاطون ابتداء موسوم به ( اریستکلِس ) Aristaclés بوده

بعات پهنی شانه و وسعت ناصیه با افلاطون ماقب گشت . -

در اوایل زندگانی مدتی به تتبع در علم عروض و نظم اشتغال

داشته پس از چندی از سرودن شعر <sup>شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی</sup> کناره جوئی اختیار کرده

شاگردی سقراط حکیم را قبول وجد و جهد خود را صرف فلسفه و

حکمت الهی نمود

( ۱ ) یکی از جزایر یونانستان که در ۴۹۰ قبل از میلاد در تصرف

ایرانیان بود

( ۲ ) یکی از سلاطین یونان

( ۳ ) یکی از حکمای سبئه یونان که در آتیه شرح حال هر یک

را منعرض خواهیم شد

پس از مرگ - قراط افلاطون با رفقای همدرس خویش از آتن خارج و مدتی در ( مگار ) Mégare (۴) اقامت کرده بعد برای پیشرفت مقاصد خود منفرداً شروع بسیر و مسافرت در اطراف و اکناف نمود

کوید ابتدای مسافرتش به بندر [ سیرن ] Cyrène (۵) بعد بمصر و آسیای صغیر بوده است

پس از مراجعت با تن وزمانی توقف مجدداً بشهر ( سیرا کوز ) Syracuse در جزیره سسیل Sicile (۶) عزیمت نموده در آنجا ( دیون ) Dion که یکی از متنفذین بود مجذوب افلاطون شده شاگردی او را پذیرفت چون افلاطون بی پرده و فاش مردم را تبلیغ مینمود و بدون هراس و تملق اعمال متنفذین و حکمفرمایان را تنقید میکرد مورد سخط [ دنیس لانسین ] Denys l'Ancien حکمران دلیسبوت [ سیرا کوز ] ( در ۴۰۵ قبل از میلاد ) شده او افلاطون را توقیف و در جزء بردگان و اسراء خود به خارج بفروخت ، -

[ آنیسریس ] Annicéris که یکی از دوستان با اخلاص و

[ ۴ ] یکی از بلاد یونان که بین آتن و Corinthe واقع است

[ ۵ ] یکی از بنادر شمال افریقا که پس از کارتاج مهمترین شهر تجارتهی بوده

[ ۶ ] بزرگترین جزیره بحر الروم که واقع است در جنوب غربی ایتالیا

متزول افلاطون بود او را از قید اسارت رها نیدم و افلاطون به آتن

برگشت (۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷) (۸) (۹) (۱۰) (۱۱) (۱۲) (۱۳) (۱۴) (۱۵) (۱۶) (۱۷) (۱۸) (۱۹) (۲۰) (۲۱) (۲۲) (۲۳) (۲۴) (۲۵) (۲۶) (۲۷) (۲۸) (۲۹) (۳۰) (۳۱) (۳۲) (۳۳) (۳۴) (۳۵) (۳۶) (۳۷) (۳۸) (۳۹) (۴۰) (۴۱) (۴۲) (۴۳) (۴۴) (۴۵) (۴۶) (۴۷) (۴۸) (۴۹) (۵۰) (۵۱) (۵۲) (۵۳) (۵۴) (۵۵) (۵۶) (۵۷) (۵۸) (۵۹) (۶۰) (۶۱) (۶۲) (۶۳) (۶۴) (۶۵) (۶۶) (۶۷) (۶۸) (۶۹) (۷۰) (۷۱) (۷۲) (۷۳) (۷۴) (۷۵) (۷۶) (۷۷) (۷۸) (۷۹) (۸۰) (۸۱) (۸۲) (۸۳) (۸۴) (۸۵) (۸۶) (۸۷) (۸۸) (۸۹) (۹۰) (۹۱) (۹۲) (۹۳) (۹۴) (۹۵) (۹۶) (۹۷) (۹۸) (۹۹) (۱۰۰)

افلاطون مقارن سال ۳۸۷ یا ۳۸۸ قبل از میلاد در آتن تاسیس

یک [ مجلس علمی ] یا ( آکادمی ) کرد و این اولین موسسه

فلسفی بود که در مملکت یونان تشکیل یافت و بلکه سر مشق

[ مجالس علمی ] یا ( آکادمی ها ) می شد که بعداً در سایر

ممالک بوجود آمد در سنه ۳۶۷ قبل از میلاد پس از مرگ

( دنیس لانسین ) *Dinys l'Ancien* مجدداً به ( سیراکوز )

*Syracuse* رفته بامید اینکه شاید پسر او ( دنیس لوزن ) *Denys*

*le jeune* را مجذوب افکار فیلسوفانه خود نموده بوسیله او

بمقاصد مکتوبه خود برده و فوق آید و ولی مطالبه فانه این باز نیز مقصودش

بهدف اجابت اصابت نموده مایوسانه به آتن مراجعت نمود

دفعه سوم نیز سال ۳۶۱ قبل از میلاد به ( سیراکوز ) *Syracuse*

رفت و مقصودش در این دفعه انبیا مناقشه بود که بین ( دنیس لوزن )

*Denys le jeune* و رفیقش ( دیون ) *[ Dion ]* حادث شده بود

ولی بدبختانه این مرتبه هم بدون اخذ نتیجه مطلوبه معاودت بآتن

کرد و بعد از آن کلیه وجه خود را صرف تعلیم و تربیت ایناء

وطن خویش کرده بالاخره در سال ۳۴۷ قبل از میلاد از این دار

فانی بسرای دیگر شتافت

افلاطون بنوبه خود شاگردی چون ارسطو تربیت نمود که

ما در جای خود شرح حال این فیلسوف معظم را نیز بعرض قارئین

محترم خواهیم رسانید

افلاطون در حکمت ابدان و معالجات امراض نیز مهارتی داشته

و بسا امراض مزمنه را بتجویز و ترکیب برخی از نباتات شفا می

بخشیده و مخصوصاً در علم گیاه متناسبی اطلاعات کافی داشته است

افلاطون میگفت: « انسان روح بشیطی در بدن دارد که

اصل آن روح از منبع الوهیت است و همان روح است که در

موقع مفارقت [ حیات پوی حرکت ] <sup>شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی</sup> با خود خواهد برد »

باز میگفت: « برای انسان <sup>رتال جامع علوم انسانی</sup> که توییح در دروغ شود همین

قدر کافی است که او دروغگو است و برای منع او از دروغ

خوف و اضطراب او کافی است زیرا که راست نمیکوید »

باز میگفت: « چهل و نادانی هر کس بزباد سخن گفتن شناخته

میشود در صورتیکه آن سخن نه او را فائده دهد نه باعث

ارتقای او گردد مخصوصاً اگر از چیزی خبر دهد که از او

سؤال نشده است »

فلاسفه عالم اصول فلسفه افلاطون را [ اید آلیزم ] idéalisme (۱)

گفته اند و برخی دیگر از حکمای الهی عقیده آن حکیم را

باقانون مسیحیت نزدیک دانسته اند بهر حال ما در آیه اصول عمده

عقاید فلاسفه مختلف العقیده را متذکر خواهیم شد .

رسائل و تصنیفات افلاطون در این قرن نیز در ممالک متمدنه

از شاهکار های بزرگ است و از قراریکه مورخین اروپا مینویسند

افلاطون در بیانات و مطالب خود جنبه عروضا و شعری را بیشتر

از جنبه فلسفی منظور و مرعی داشته و اهمیت داده است

تعداد تألیفات عالیه افلاطون را که دست بدست رسیده و غالباً

بطرز مکالمات و محاورات <sup>که با مردم انسانی بطالعاست</sup> سقراط یا فلاسفه دیگر است

یست و هشت مجلد نوشته <sup>تالیف جامع علوم انسانی</sup> اند و ما عمده آن کتب را بنظر قارئین

میرسانیم .

( ۱ ) : ( لو کریتن ) Le Criton کتابی است عبارت از

مکالمات سقراط با یکی از شاگردان خود موسوم به [ کریتن ]

متمول یونانی که در زندان حضور یافته و طریق چاره و استخلاص

( ۱ ) فلسوفی که حقایق عالم طبیعت را خیال داند

را بمری خود ارائه میدهد و سقراط جواباً احترام قوانین مملکت را بیان نموده و او را اندرز و نصیحت مینماید.

( ۲ ) : ( کتاب اثبات بی تقصیری سقراط ) در این کتاب

نطقها و خطابات مهمی که سقراط در حضور ( آرئوپاز ) Areopage ( ۱ )

( عدلیه اعظم ) در جواب اتهامات دشمنان نموده جمع کرده است

و افلاطون این کتاب را پس از وفات سقراط نوشته است .

( ۳ ) : ( کتاب المرانی ) زیرا این کتاب را افلاطون

بطرزی مبکی و حزن انگیز نگاشته و مرانی در وفات سقراط نوشته

گرچه در این کتاب مصنف در علم اخلاق و حقایق عالم حیات نیز

قلم فرسایی نموده ولی عمده مقصودش از نگارش این اوراق تذکره

چگونگی وفات سقراط بود. پروفسور کلاه علوم انسانی و مطالعات تربیتی

[ ۱ ] محکمه بسیار عالی آتن که اعضاء آن از سی و یک قاضی

جمهوری طاب یونان مرکب بوده اند و این عدلیه اعظم برای

قضاوت و رسیدگی مجازات و وضع قوانین و جرائم عمده ترتیب

یافته و بعلت رسمیت احکام و فقدان نسخ و منسوخ حقیقت اقتدارش

در تمام دنیا مشهور گردید و هنوز کلمه [ آرئوپاز ] درالسنه

خارج افاده مجالس عالیه ملوکانه منصفانه را میکند

( ۴ ) Le Phèdre ( ۱ ) ( تعریف حسن و جمال ) این کتاب

را در ایام جوانی نوشته است

( ۵ ) Le Banquet ( لوبانکه ) در این کتاب عنوان

عشق را موضوع بحث قرار داده و در تصریح و تعریف عشق از اصول حکمت الهی سقراط بیانات میکند

( ۶ ) [ جمهوریت ] که عبارت از دوازده جلد کتاب در تعلیمات

طرق مختلفه امارت و سلطنت و اوضاع سیاست و اصول مملکت داری است

( ۷ ) Thimée [ تیمه ] کتابی است در فلسفه طبیعت و آثار

خلقت که با قلمی متین نوشته است

( ۸ ) [ Le Gorgias ] ( لوگورزیاس ) مباحث عالیه در علم

معانی بیان است مخصوصا اصول حکمت الهی و فصول متعقده با آنرا در این کتاب تشریح نموده و مغالطات سوفسطائیان را با ادله و

براهین رد مینماید پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

[ ۱ ] Le Phèdre غیر از کتاب مذکور یکی از رسائل مهمه

شاعر مشهور فرانسوی Racine [ راسین ] است که شامل

پنج برده رقت انگیز است در سال ۱۶۷۷ میلادی نوشته و نیز در

علم ارباب انواع یونانیان زوجه Thésée [ تزه ] و دختر

Minos [ مینوس ] بوده است .

و هم نام قصه سرای لاتینی است که بطرز مضحک اخلاق شعرای

معاصر خود را معرفی کرده حیاتش از ۳۰ قبل از میلاد الی

۴۴ بعد از میلاد بوده است

( ۹ ) Le Critias ( لو کریتیاس ) یا Atlandide ( آتلاندید )

رساله ایست متمم دو جلد فوق الذکر [ تیمه ] و ( جمهوریت )

( ۱۰ ) Le Sophiste ( لوسوفیست ) [ سفسطه ] کتابی است

بطرز سؤال و جواب زیرا اصول و قاعده تعلیمات سقراط بدین ترتیب

بوده است و علمای اروپا این قاعده را در تعلیم از آن فیلسوف

اقتباس نموده اند

( ۱۱ ) Les lois ( قوانین ) عبارت از دوازده جلد کتاب

است بطریق مکالمه در علم کلام و صنعت نطق و خطابه نوشته و

در فنون و ادبیات عالیه سخن میراند

( ۱۲ ) Le Philèbe [ لوفیلب ] کتاب مناظرات و مکالماتی

است از زبان سقراط که در آن جمع بعقل و شهرت گوید در فاعلیت اختیار

انسان ما بین این دو سلطنت با استقلال سخن میگوید

( ۱۳ ) Le Politique ( سیاست ) در واقع متمم کتاب

[ سفسطه ] است

( ۱۴ ) Le Protagoras [ لوپروتاگوراس ] در این کتاب

بطور سخریه بطریق مکالمات بر ضد رقبا و سوفسطائیان نوشته

و در تحت عنوان [ اگر فضیلت و تقوی ممکن التعلیم باشد ]



اعتراضاتی کرده است

خاتمه : دانیان عالم طبیعت و معلم و کسی را دانسته اند که چون با عالم در هر علمی از علوم رسمی مباحثه کند معلم کامل آن اقرار بعجز نماید چنانچه تقریباً در امتداد دو هزار و پانصد سال تا امروز بیش از سه تن بشرف اسم معلمی نائل نشده اند معلم اول باختلاف آراء جمعی افلاطون و فرقی ارسطو و گروهی دیموکریت را گفته اند

معلم دوم ابونصر محمد فارابی را نوشته اند ( فاراب شهری است از ترکستان در نزدیکی آب سیحون و گویند وطن اصلی حکیم آنجا بوده است )

معلم سوم ابن سینا یا بخری از اصطحنه است که اگرچه گویند ابوعلی سینا در همدان پسر برای امتحان در مجلس سلطان حضور دانشمندان مسلم آن زمان طرح مجادله ریخت همه را در جواب عاجز گذاشت جز علم موسیقی و شیمی که بدین علت در معلمی ناک او حرف دارند در صورتیکه بعد در این دو علم بطوریکه باید کامل شد معهدا مینویسند بهمین جهت شیخ الرئیس ملقب گشت

غ . . . . . ک